



گزارش

## سمینار «مسائل توسعه دریای خزر و دریای سیاه» (کی‌یف ۶-۵ تیر ۱۳۷۷)

اجلاس منطقه‌ای «دریای خزر و دریای سیاه: موقعیت و چشم‌اندازهای توسعه» با همکاری انجمن مطالعات خاورمیانه، مرکز شرق‌شناسی آکادمی علوم اوکراین، شورای آتلانتیک اوکراین و بنیاد آلمانی فردریش ابرت در ۵ و ۶ تیرماه ۷۷ در محل دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه کی‌یف برگزار شد. در این کنفرانس تعدادی از مقامات، استادان و صاحب‌نظران اوکراین، روسیه، ترکیه، گرجستان و دیگر کشورهای منطقه حضور داشتند. کنفرانس با یک جلسه مقدماتی مشترک آغاز به کار کرد و با دو جلسه موازی که به امور سیاسی و اقتصادی و مردم‌شناسی (تاریخ، قوم‌شناسی و زبان‌شناسی) اختصاص یافته بود ادامه یافت و در عصر روز دوم در یک جلسه اختتامیه به جمع‌بندی مباحث مطرح‌شده و نتیجه‌گیری اجلاس پرداخت. به طوری که توسط برگزارکنندگان سمینار اظهار شد، جلسه مذکور اولین گردهمایی از سلسله اجلاس‌هایی است که با همکاری مؤسسات علمی مذکور در فوق‌به‌منظور تبادل آرا و نظریات کارشناسی و نهایتاً تقویت اوکراین در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی کشورهای حوزه دریای سیاه (BSEC) و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور تشکیل می‌گردد.

در این گردهمایی بیست مقاله و سخنرانی از سوی شرکت‌کنندگان حول دو محور مسائل سیاسی و اقتصادی مرتبط با دریاها و سیاه و خزر و موارد مربوط به سیاست‌های قاره‌ای اوکراین ارائه شد. از جمع‌بندی و خطوط اصلی مطالب عنوان شده می‌توان چنین نتیجه گرفت:

دریای سیاه در طول تاریخ به علت کثرت اقوام حاشیه آن که از نظر تمدن و فرهنگ و مذهب و سیاست دارای وضع بسیار متفاوتی بوده و مسئله تنگه‌های بسفر و داردانل که در قرون ۱۹ و ۲۰ به آن اضافه می‌شود، همواره یکی از نقاط بحران‌زا و پُراهمیت جهان تلقی می‌شد؛ حال آنکه دریای خزر و مسائل آن بلافاصله پس از فروپاشی شوروی شناخته و مطرح شد. اما آنچه که ارتباط دو دریا را در جهان امروز اهمیت مضاعف می‌بخشد، موضوع نفت و گاز و منابع انرژی دریای خزر و نحوه انتقال آن از طریق حوزه دریای سیاه می‌باشد. «بازی بزرگ» قرن ۱۹ دوباره تکرار می‌شود و بازیگران آن این بار روسیه تدافعی، چین تهاجمی، آمریکای قدرت جهانی و ایران و ترکیه به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای تعیین‌کننده می‌باشند. در چنین شرایطی هر کیلومتر لوله انتقال نفت دریای خزر که خارج از محدوده نفوذ مستقیم روسیه احداث شود، عملاً از قدرت و سلطه این کشور بر منطقه کاسته و افزایش نقش سایر قدرت‌ها و بازیگران را در پی خواهد داشت.

در وضعیت موجود اصولاً تعداد قدرت‌ها و واحدهای سیاسی علاقه‌مند به «بازی بزرگ» روبه افزایش است؛ اوکراین به دلیل موقعیتی که نسبت به اروپا دارد با امکانات ترانزیتی خود و آسیای مرکزی با ذخایر عظیم نفت و گاز قصد ورود به بازی را دارند. اروپا به‌عنوان غول اقتصادی و کوتوله سیاسی هنوز قادر به ایفای نقش مستقیم نمی‌باشد، در حالی که در قفقاز مشکلات و مناقشات قدیمی و نهادینه شده موجود عملاً مانع تحرک سیاسی آن می‌شود، مشکلاتی که به دلیل برخورد منافع و هدفهای قدرت‌های خارج از منطقه روبه افزایش است. اسرائیل به‌عنوان عضو وابسته سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه، به صورت‌های گوناگون در تلاش برای ورود به «بازی بزرگ» می‌باشد که در یکی از مقالات انجمن مطالعات خاورمیانه اوکراین، به اهمیت نقش اسرائیل در منطقه و همکاری نظامی این کشور با ترکیه اشاره گردید و تأکید شد که اسرائیل با اغلب کشورهای منطقه بویژه آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان و گرجستان روابط نزدیک برقرار نموده و قصد دارد با تأمین و مدرنیزه کردن تسلیحات این کشورها روابط مستحکمی با آنها برقرار نماید تا بتواند در آینده نسبت به تأمین نفت و گاز مورد نیاز خود مطمئن باشد. همچنین به قرارداد یک شرکت اسرائیلی با رئیس‌جمهور ترکمنستان و سرمایه‌گذاری نیم‌میلیارد دلاری در پروژه پالایشگاه ترکمنباشی

اشاره شد و در مجموع تلاش اسرائیل در جهت تضعیف موقعیت ایران در این جمهوری‌ها ارزیابی گردید.

با بررسی که از مفهوم امروزی همگرایی توسط سخنرانان به عمل آمد اظهار شد که این مفهوم با همگرایی نوع کلاسیک متفاوت بوده و در واقع همگرایی امروزی، اقتصادی و حول محور حمل و نقل نفت و گاز از شرق به غرب شکل می‌گیرد. لذا مسئله راههای حمل و نقل و کریدورهای ترانزیت اهمیت می‌یابد، راههایی که در گذشته نیز به صورت راه ابریشم وجود داشته، چرا امروزه نمی‌توانند بجای حمل و نقل کالا و مسافر برای انتقال منابع انرژی به کار گرفته شوند؟ علت اصلی این نقطه ضعف علاوه بر جهت‌گیری‌های سیاسی - فرهنگی، نارسایی‌های عمده‌ای است که در ساختارهای موجود اقتصادی و سیستم‌های مالی - پولی و بانکی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع مشاهده می‌شود. به عنوان راه چاره می‌بایست بجای توجه بیش از حدی که به منابع و ذخایر انرژی منطقه مبذول می‌شود، درصدد تهیه و اجرای طرحهای مربوط به توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای CIS برای آینده برآمد.

در دیدگاه اوکراین نسبت به موضوع عوامل توسعه، اشاره شد که توان و امکانات یک کشور در همگامی و همکاری با سایر کشورها به منظور تأمین منافع اصلی و توجه به مفهوم اجماع منافع (Consensus of Interests) مهمترین نقش را داشته و اوکراین می‌تواند به صورت بالقوه شریک اقتصادی - ترانزیتی مناسبی برای بسیاری از کشورهای منطقه باشد. در دو مقاله ارائه شده از سوی شرکت‌کنندگان ایرانی در کنفرانس، اهم نکات مورد اشاره به شرح زیر می‌باشد:

در مقاله اول تحت عنوان روندهای همگرایی منطقه‌ای در کشورهای ساحلی دریای خزر و دریای سیاه: ضمن بحث پیرامون موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه، امکانات موجود بویژه منابع عمده نفت و گاز در دریای خزر و برآورد میزان واقعی ذخایر و راههای انتقال آن به خارج از منطقه تشریح و تأکید گردید که همکاری و همگرایی منطقه‌ای بایستی بیشتر بر ملاحظات و مزایای اقتصادی استوار باشد و جهت نیل به توسعه، حل مشکلات سیاسی و اختلافات مرزی و قومی و ایجاد صلح و ثبات در منطقه از اولویت اساسی برخوردار است. همچنین در خصوص توانایی‌ها و مزیت‌های جمهوری اسلامی ایران

برای همکاری با کشورهای منطقه و امتیاز منحصر به فرد ایران در انتقال نفت و گاز منطقه به خارج که با صرفه‌ترین، مطمئن‌ترین و سریع‌ترین راه می‌باشد توضیحات لازم ارائه گردید. در مقاله دوم تحت عنوان سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، هدف این سیاست‌ها توسعه اقتصادی - اجتماعی آسیای مرکزی و قفقاز و طریق اجرای آنها، «همکاری» به معنای عام سیاسی - اقتصادی - اجتماعی تشریح و مثالهایی عینی و عملی از این همکاری در جهات مختلف ذکر گردید. از جمله به اتصال راه آهن مشهد - سرخس - تاجیکستان) به عنوان مهمترین عامل بازدارنده در فرآیند توسعه و بالاخره تشویق همکاری‌ها در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و طرح سازمان همکاری کشورهای ساحلی دریای خزر، اشاره شد. در زمینه روابط دو جانبه با توجه به موقعیت اقتصادی اوکراین و تمایل آن به تغییر منابع تأمین انرژی، امتیازات همکاری با ایران و بویژه استفاده از راه‌های ترانزیت کالا به آسیای جنوبی و جنوب شرقی و همچنین تشویق و گسترش همکاری‌های سه‌جانبه ایران - اوکراین با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مورد توجه قرار گرفت.